

کتاب التعلیق مفری نیشابوری

در کلام و بحثی درباره الملخص والذخیره تألیف شریف مرتضی

نقد و بررسی کتاب

حسن انصاری

درباره کتاب الذخیره شریف مرتضی و نسبت آن با کتاب الملخص تاکنون محققان مختلفی ابراز نظر کرده‌اند. پروفیسور زابینه اشمیتکه در مقاله‌ای که اخیراً درباره نسخه کهنسال کتاب الذخیره موجود در کتابخانه سنت پترزبورگ و از مجموعه‌های بازمانده از قرائیم نگاشته است در این باره بحث کرده است. محقق کتاب الملخص، جناب آقای محمدرضا انصاری قمی هم در مقدمه تصحیح اشاره‌وار به این موضوع پرداخته‌اند. آنچه پروفیسور زابینه اشمیتکه در بحث خود بدان رسیده است، در چند مورد زیر قابل تبیین است:

۱. کتاب الملخص همان طور که از گفته خود شریف مرتضی روشن است، از حدود نیمه کتاب به بعد از سوی مؤلف به دلائلی رها شده و بنابراین همان طور که در تنها نسخه موجود این کتاب می بینیم، مباحث از نیمه مباحث عدل به یکباره رها شده است.

۲. کتاب الذخیره دیگر کتاب کلامی شریف مرتضی که از آن نسخه‌های متعددی وجود دارد نیز ناقص است و این نقص مربوط است به مباحث توحید و بخشی از مباحث عدل کتاب. زابینه اشمیتکه به درستی استدلال می‌کند که بخش‌های اولیه کتاب الذخیره که عمدتاً به ابواب توحید مربوط می‌شده از سوی شریف مرتضی تألیف شده بوده و در واقع نقص موجود در نسخه‌های کنونی به اصل تألیف مربوط نمی‌شود.

چکیده: درباره کتاب الذخیره شریف مرتضی و نسبت آن با کتاب الملخص تاکنون محققان مختلفی ابراز نظر کرده‌اند. پروفیسور زابینه اشمیتکه در مقاله‌ای که اخیراً درباره نسخه کهنسال کتاب الذخیره موجود در کتابخانه سنت پترزبورگ نگاشته، در این باره بحث کرده است. نویسنده در نوشتار حاضر نخست، برخی از مواردی را که زابینه اشمیتکه در بحث خود بدان رسیده، تبیین نموده است. در ادامه می‌کوشد با ذکر چند نکته اضافی در مقام تأیید تحقیقات او، تفسیری از ماهیت و سبب ارتباط این دو کتاب به دست دهد. کلیدواژه‌ها: کتاب الملخص، کتاب الذخیره، شریف مرتضی علم الهدی، علم کلام، زابینه اشمیتکه.

این نکته اهمیت دارد که بدانیم کتاب‌های الملخص والذخیره از آثاری است که معمولاً شریف مرتضی در کتاب‌هایش مکرر و در تعدادی موارد توأم با هم بدان‌ها ارجاع می‌دهد. به نظر نویسندگان این سطور شاید آنجا‌هایی که توأمأً به هر دو با عناوینی شبیه کتاب «الملخص والذخیره» ارجاع می‌دهد، مقصودش نسخه ترکیبی دو کتاب بوده است

از آن‌ها پیش از چاپ در اختیار نویسندگان این سطور قرار دادند، موارد ارجاع را با استقراء برشمرده‌اند. گرچه نظرایشان در مجموع به کلی با آنچه نویسندگان این سطور در این یادداشت کوتاه مطرح کرده متفاوت است.

۲. بدین ترتیب بخش آغازین کتاب الذخیره که البته متن نه چندان بلندی هم در مقایسه با بحث‌های مشابه کتاب الملخص بوده، عملاً در یک نسخه مهم کتاب از متن آن حذف شده بوده است. با این وصف شیخ طوسی در آغاز تمهید الأصول (ص ۱) اشاره دارد به اجمال و گزیده‌گرایی در نصف اولیه کتاب الذخیره و از اینجا معلوم است که دست‌کم او به نسخه‌ای از کتاب دسترسی داشته که در آن متن الملخص جایگزین آن مباحث اولیه کتاب الذخیره نشده بوده است. جالب است بدانیم حتی کتابی در تنمیه الملخص به سلاز دیلمی منسوب است (به منبع این مطلب در مقدمه‌ای که با زاینه اشمیتکه بر شرح المقدمه شیخ طوسی نگاشته‌ایم اشاره شده است) که از اینجا باز معلوم می‌شود برخی از شاگردان شریف مرتضی یا از نسخه تکمیل شده که از آن سخن رفت اطلاعی نداشته‌اند یا اینکه سلاز تنمیه خود را در فاصله‌ای نگاشته که شریف مرتضی هنوز کتاب الذخیره را تکمیل و به عنوان تنمه الملخص قرار نداده بوده است.

۳. این نکته اهمیت دارد که بدانیم کتاب‌های الملخص والذخیره از آثاری است که معمولاً شریف مرتضی در کتاب‌هایش مکرر و در تعدادی

همان‌طور که شریف مرتضی در پایان کتاب الذخیره یادآور شده، او بعد از آنکه تألیف و املاي کتاب الملخص را نیمه تمام رها کرد، تصمیم گرفت مباحثی را که در کتاب الذخیره طرح می‌کند، برخلاف قسمت‌های اولیه کتاب با تفصیل بیشتری مطرح کند و از این‌رو در پایان الذخیره بدین نکته اشاره می‌کند که در واقع آنچه در بخش تفصیلی کتاب الذخیره مورد بحث قرار گرفته، مکمل آن قسمتی است که در کتاب الملخص بحث شده است.

۴. در نسخه موجود از کتاب الملخص، سه جزء آغازین مربوط به کتاب الملخص است و جزء چهارم از آغاز با بخش‌های تفصیلی کتاب الذخیره آغاز می‌شود.

آنچه زاینه اشمیتکه درباره این دو کتاب ابراز داشته کاملاً دقیق است و من در اینجا می‌کوشم تنها با ذکر چند نکته اضافی در مقام تأیید تحقیقات او، تفسیری از ماهیت و سبب ارتباط این دو کتاب به دست دهم. این مطلب را در چند شماره مطرح می‌کنم:

۱. تقسیم‌بندی نسخه موجود از کتاب الملخص که در کتابخانه مجلس نگهداری می‌شود، لزوماً به معنی تقسیم‌بندی و تجزیه کتاب از سوی شریف مرتضی نیست. با این وصف بعید نیست که ریشه آن به نسخه‌ای بازگردد که زیر نظر خود شریف مرتضی تنظیم شده بوده است. از تجزیه نسخه کنونی به روشنی پیداست که آنچه از کتاب الملخص تدوین و تحریر شده بوده در ضمن سه جزء و در واقع تا پایان جزء سوم نسخه درج شده است. در نسخه اصلی که زیر نظر شریف مرتضی تنظیم شده و بعداً مبنای نسخه‌های بعدی قرار گرفته و از جمله نسخه حاضر، به احتمال قوی با پیشنهاد خود شریف مرتضی آنچه از کتاب الذخیره بعد از رهاشدن کتاب الملخص به صورتی تفصیلی املاء و تحریر شده بوده، بدون درج آنچه در بخش‌های اولیه کتاب الذخیره پیش‌تر نوشته شده بوده و به تعبیر خود سید مرتضی در پایان کتاب الذخیره گزیده‌وار و با رویکردی نه چندان تفصیلی بوده، در دنباله نسخه الملخص و به عنوان جزء چهارم به بعد کتاب قرار داده شده بوده است. در واقع شریف مرتضی به دلیل تعلق خاطری که به کتاب الملخص داشته، لازم دیده بوده نقص کتاب را از طریق تغییر برنامه کتاب الذخیره جبران کند و آن‌گاه کتاب الذخیره را بدون آن قسمت اولیه که تحریری نسبتاً مختصر بوده و عملاً تفصیل آن در بخش‌های موجود الملخص آمده بوده در دنباله نسخه سه جزئی الملخص قرار دهد. البته این را هم باز تأکید کنم که آنچه از تجزیه کتاب و یا توضیحاتی که در زمینه آن در پایان اجزاء و نیز در آغاز جزء چهارم نسخه موجود کتاب الملخص دیده می‌شود (برای مورد اخیر، نک: الملخص، مقدمه محقق، ص ۲۹ تا ۳۰ که به اشتباه کلام کاتب نسخه را کلامی از شریف مرتضی قلمداد کرده)، توضیحات کاتب نسخه اصلی است

امری سابقه‌ای در کتاب‌های کلامی نیست و حتی در جمل العلم و العمل هم شریف مرتضی از مباحث نظریس از بحث‌های تکلیف و لطف بحث کرده است. در کتاب المنقذ من التقليد حمصی هم که در آن از ترتیب کتابهای الملخص و الذخیره بهره گرفته شده و تحت تأثیر این دو کتاب است (در این مورد، نک: مقاله مشترک من وزاینه اشمیتکه برای کلام امامی در هندبوک کلام اسلامی آکسفورد)، بحث نظر همانند الذخیره مطرح شده است. حمصی گویا نسخه ترکیبی یاد شده را تنها در اختیار داشته است. در هر دو کتاب الملخص و نیز الذخیره بحث اولیه و خوب نظر در معرفت خداوند تنها ناظر به بحثی مقدماتی درباره توحید بوده و نه بحث‌های فنی نظر که معمولاً مستقل می‌تواند عنوان شود و به معرفت‌شناسی متکلمان مربوط است.

۶. اما آنچه بیش از همه در این میان جالب توجه است، ساختار کتاب التعلیق تألیف متکلم امامی نیمه سده ششم قمری، قطب‌الدین مقری نیشابوری است که بر اساس نسخه منحصر به فردی در سال‌های اخیر به چاپ رسیده و تاکنون از نقطه نظر ارتباط آن با دو کتاب الملخص و الذخیره مورد مطالعه قرار نگرفته است. این کتاب در واقع خلاصه‌گونه‌ای است از هر دو کتاب کلامی شریف مرتضی و در آن نویسنده همه جا به گفته‌های شریف مرتضی به عنوان متن پایه کتابش اشاره می‌کند (با تصریح به نام الملخص، نک: ص ۱۴). او جاهای دیگر هم اشاره به ساختار مرتبط کتابش با آنچه شریف مرتضی مد نظر داشته کرده است. نک: ص ۱۵۸، ۱۸۲، ۱۸۴، ۱۹۱). عنوان التعلیق هم اشاره به همین ماهیت تلخیص و بازخوانی کتابی دارد که التعلیق بر اساس آن نوشته شده است (= تعلیق در اینجا به معنای خلاصه درس یا خلاصه متن یا درسگفتار است. در مورد معانی و مفهوم‌های مختلف تعلیق در سنت‌های کلامی نویسنده این سطور نوشته مستقلی دارد که امید می‌برد به مناسبت کنگره شریف مرتضی به دست طبع سپرده شود). اگر به ساختار کتاب التعلیق توجه شود به روشنی پیداست که کتاب از نظم همان نسخه‌ای حکایت می‌کند که چنان‌که گفتیم نسخه مجلس بر اساس آن کتابت شده است: بدین معنا که در آغاز ابواب کتاب الملخص دقیقاً آمده و آن‌گاه ابواب و مباحث متن تکمیلی آن که به عنوان تکمله الملخص از متن کتاب الذخیره برداشته و در انتهای الملخص قرار گرفته بوده است. متأسفانه به دلیل نقص آغاز نسخه موجود کتاب التعلیق، قسمت و خوب نظر که مختصراً در آغاز کتاب الملخص بحث شده بوده در این نسخه هم افتاده است. با این وصف در کتاب التعلیق ما شاهد چند نمونه خلاصه بحث شریف مرتضی در ابوابی از آغاز بحث‌های توحید هستیم که در نسخه یگانه کتاب الملخص همینک دیده نمی‌شوند. طبعاً بنای نویسنده التعلیق ارائه خلاصه‌ای از ابواب این کتاب ترکیبی بوده و در آن به فصل‌های جزئی توجه نشده است.

۷. محقق کتاب الملخص به درستی در پایان چاپ خود از کتاب، دو

موارد توأم با هم بدان‌ها ارجاع می‌دهد. به نظر نویسنده این سطور شاید آنجایی که توأماً به هر دو با عناوینی شبیه کتاب «الملخص و الذخیره» ارجاع می‌دهد، مقصودش نسخه ترکیبی دو کتاب بوده است (نک: رسائل، ۳۹۰/۱؛ الذریعة، ۹۳/۲ و نیز نک: شرح جمل العلم والعمل منسوب به شریف مرتضی، تصحیح یعقوب جعفری، ص ۵۱، ۷۸). این دو ارجاع در این کتاب مورد اشاره خانم اشمیتکه قرار گرفته است. به هر حال در مواردی ارجاعات به کتاب الذخیره مربوط به مباحث بخش‌های اولیه است که در نسخه‌های موجود اثری از آنها نیست. (به هر حال جالب است اضافه شود که در الذخیره، ص ۱۴۹ به مبحثی اشاره می‌کند که هم در آن کتاب طرح کرده بوده و همینک موجود است و هم در الملخص. در این موارد طبعاً ارجاع به ابواب مختلفی است که موضوعات در شکل‌های مختلف و به مناسبت‌های گوناگون بحث می‌شده‌اند. در دیگر آثارش هم گاه در مسائلی ارجاعاتی به هر دو کتاب داده شده و اشاره‌ای است به وجود بحث‌هایی مشترک در هر دو کتاب، نک: رسائل، ۳۶۳/۱؛ ۳۷۱؛ الذریعة، ۹۰/۲).

۴. نسخه کتابخانه مجلس از کتاب الملخص که چنان‌که گفتیم در واقع در اصل نسخه کتاب ترکیبی الملخص و الذخیره است، متأسفانه ناقص است و تنها قسمتی کوتاه از آغاز متن برگرفته از الذخیره را که بنا بر نظر نویسنده در دنباله الملخص قرار گرفته بوده در بردارد. خوشبختانه همین قسمت باقیمانده در دو فصل کوتاه، نقص آغازین نسخه‌های موجود کتاب الذخیره را تکمیل می‌کند و بنابراین ما همینک متن کتاب الذخیره را به شکل کاملی که شریف مرتضی آن را در شکل مجلد تکمیلی کتاب الملخص اراده می‌کرده است در اختیار داریم. ما تنها بخش‌های اولیه و نسبتاً کوتاهی از کتاب الذخیره را در اختیار نداریم که شریف مرتضی در آن را در نسخه ترکیبی الملخص و الذخیره در نظر نداشته و همین امر عملاً آن بخش‌ها را که در نسخه‌های اولیه کتاب الذخیره موجود بوده، به مرور زمان به دست فراموشی سپرده است.

۵. کتاب الملخص و الذخیره ظاهراً هر دو چنان‌که از گفته‌ای از شیخ طوسی در تمهید الأصول (ص ۲) بر می‌آید و بدان‌ها زاینه اشمیتکه در مقاله‌اش توجه داده، برخلاف جمل العلم والعمل با بحثی درباره وجود نظر در معرفت خداوند آغاز می‌شده است. متأسفانه بخش آغازین کتاب الملخص در نسخه موجود ناقص است و معلوم نیست بخش و خوب نظر چه مقدار از متن کتاب را تشکیل می‌دهد، اما با توجه به مقدار محدود نقص جزء اول در مقایسه با اجزای دیگر نسخه حاضر، معلوم است که آن بخش بحثی کوتاه را شامل می‌شده است. به هر حال در کتاب الذخیره شریف مرتضی بحثی مفصل درباره نظر و معارف دارد که آن را بعد از بحث‌های مرتبط با عدل و بعد از بحث تکلیف و پیش از مبحث لطف قرار داده است. بحث از نظر و معارف در ارتباط با بحث تکلیف و به عنوان ذیلی بر بحث‌های متعارف باب العدل

فصلی که از بخش تکمیلی الذخیره در نسخه موجود الملخص دیده می‌شود، اما از نسخه‌های الذخیره افتاده است را به عنوان بخش تکمیلی قرار داده است. اشکال کار او در این است که گمان برده این دو قسمت در اصل از متن کتاب الملخص بوده و به اشتباه به عنوان بخش آغازین جزء چهارم نسخه کتاب قرار داده شده است. همان‌طور که گفتیم کتاب الملخص کاملاً با جزء سوم نسخه حاضر پایان می‌گرفته و از آغاز جزء چهارم در واقع متن الذخیره بدون بخش آغازین آنکه شکل مختصر شده مباحث الملخص را در برداشته قرار داده شده بوده است. آنچه همینک از کتاب الذخیره در دست است در واقع آن بخشی است که شریف مرتضی آن را به تفصیل و با الگوگیری از شیوه خود در الملخص و بعد از رهاشدن تألیف آن در کتاب الذخیره تدوین کرده است. بدین ترتیب آن بخش‌های نسبتاً مختصر از کتاب الذخیره که عمدتاً بحث توحید و قسمتی از مباحث عدل بوده، از نسخه‌های موجود کتاب الذخیره حذف شده است. علت آن به احتمال زیاد چنان‌که گفتیم به دلیل آن بوده که شریف مرتضی در نسخه ترکیبی خود از متن دو کتاب، آن بخش‌ها را کلاً حذف کرده بوده و یا توصیه به حذف آن داده بوده است.

بعد التحریر

۱. اینکه کتاب الذخیره از آغاز مباحث کلامی را شامل می‌شده حتمی است. نه تنها به آن بخش‌ها ارجاع داده شده، بلکه طبیعی است که کتاب را از آغاز شروع کنند نه از وسط. در پایان الذخیره هم وقتی می‌گوید آغاز و بعد آن متفاوت است، نظرش به همین معناست.

۲. شریف مرتضی کتاب الذخیره را مستقلاً آغاز کرده بود، اما وقتی دید کتاب الملخص را نمی‌تواند ادامه دهد، تصمیم گرفت الذخیره را تفصیلی‌تر بحث کند. البته کتاب الذخیره ماهیت مستقل داشته و لذا نسخه‌هایی از آن هم مستقل بوده (و نظر شیخ طوسی در التمهید هم همان نسخه‌هاست)، اما در ذهن سید مرتضی این بوده که این دو کتاب مکمل هم هستند. دست آخر هم در پایان کتاب وقتی به این امر اشاره می‌کند نظرش همین است که این دو کتاب دو کتاب مستقلی‌اند که اگر موارد غیرمکرر آنها با هم ترکیب شود، کتاب کاملی را تشکیل می‌دهند. بعداً چنان‌که گذشت شریف مرتضی تصمیم می‌گیرد برای دست کم یک نسخه، این دو را با هم ترکیب کند. حاصلش مادر این نسخه‌ای است که همینک در کتابخانه مجلس موجود است. شریف مرتضی نمونه این کار را در امالی هم انجام داده و بخش‌هایی را تحت عنوان تکمله از کتاب‌های دیگرش در پایان امالی افزون کرده است.

۳. یکبار دیگر تأکید می‌کنم اظهارات کاتب نسخه مجلس (یا مادر آن نسخه) را نباید کلام خود شریف مرتضی فرض کرد. علاوه بر آن این نکته را باید اضافه کنم که در پایان جزء سوم نسخه مجلس تصریح می‌شود که کتاب الملخص پایان گرفته است.